

دکتر علی نجفی توانا

وکیل پایه یک دادگستری

دفاع از حق دفاع

مقدمه

خدمات وکالتی در طول اعصار و نزد همه جوامع، در ردیف نجیب‌ترین و شریف‌ترین خدمات اجتماعی به شمار می‌آمده است. اصل مساوات و بهره‌مندی از حقوق و تضمینات کافی در مقابل قانون و دستگاه قضا، در زمره اصول مترقی و پیشرفته‌ای است که صراحتاً در اسناد و مدارک و حقوق داخلی، تطبیقی و بین‌المللی مورد اشعار واقع شده است.

بی تردید، ظهور و پیدایش شخصیتی ممتاز به نام وکیل مدافع و حرفه‌ای شاخص به نام وکالت، ریشه در افکار و اندیشه‌های انسان مدار و نوظهوری دارد که حمایت از حقوق فرد انسانی را به مثابه اصلی‌ترین اهداف عدالت‌کیفری و قضایی برمی‌شمارد. اصولاً انسان‌ها از نوعی آزادی به مفهوم عام آن (آزادی بیان، عقیده، عمل و...) در اجتماع بهره می‌برند که جز در موارد استثنایی تعرض، تجاوز یا تحدید آن ممنوع می‌باشد. بدین لحاظ، هنگامی که فردی در مظان اتهام به ارتکاب رفتاری مجرمانه قرار می‌گیرد، لاجرم برخی از اصول و حقوق مسلم فردی وی به مخاطره می‌افتد. هرچند فرض بی‌گناهی متهم و ضرورت حفظ حرمت و کرامت انسانی او ایجاب می‌کند که در فرآیند تحقیقات مقدماتی و محاکمه، از حداقل تضمینات کافی در جهت اثبات بی‌گناهی و برائت خویش برخوردار باشد، مع الوصف، عدم آشنایی و آگاهی کافی نسبت به حقوق فردی و اجتماعی، چه بسا اسباب تضرر، سردرگمی و نهایتاً محکومیت وی را فراهم آورد.

با لحاظ چنین شرایط و با هدف جلوگیری از تضییع حقوق افراد نیاز و ضرورت حضور فردی به عنوان «وکیل مدافع» در تمامی مراحل دادرسی بویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی نهایی، از لوازم حتمی و اجتناب‌ناپذیر یک دادرسی عادلانه در تمام دنیا تلقی می‌شود.

وکیل دادگستری به منظور استقرار عدالت، ضمن همکاری نزدیک با دستگاه قضا، تمام دانش، نبوغ، فنون و هنر مکتسبه و تجارب خود را در اختیار افرادی قرار می‌دهد که جان، مال، عرض و ناموس آنها در مظان مخاطره و تهدید قرار دارد.

اساساً اجرا و اعمال حقوق قانونی و ذاتی افراد مستلزم آگاهی و اطلاع آنهاست. فردی که برخلاف اصل آزادی، بازداشت می‌گردد حق دارد به حقوق خود و نحوه برخورداری از آنها آشنا باشد. بنابراین، یکی از مهمترین حقوقی که متهم در جریان یک دادرسی عادلانه و منصفانه باید از آن برخوردار باشد، حق استفاده از وکیل مدافع است. بر این اساس، امروزه حضور وکیل مدافع در دادرسی و دفاع از حقوق مادی و معنوی موکل (بویژه متهم) جزء لاینفک و اجتناب‌ناپذیر یک دادرسی منصفانه و عادلانه محسوب می‌شود. حضوری که در اکثر قوانین داخلی و بین‌المللی به صراحت مورد اشاره بلکه تأکید قرار گرفته است.

قانونگذار ایران نیز در اصول مختلف قانون اساسی و قوانین عادی خود به این موضوع پرداخته و ضرورت مداخله وکیل مدافع را در تمام امور حقوقی و در برخی جرایم، الزامی دانسته است. جالب اینکه در صورت عدم توانایی متهم در تعیین وکیل، جامعه را مکلف به تأمین آن دانسته است.

چنین رویکرد مثبت و مترقی در نگاه نخست، حلاوتی زایدالوصف به کام انسان‌های آزاداندیش و حقیقت‌جوی می‌چشاند و تشریح چنین ضوابطی را باید ناشی از حس انسانیت و عدالت محوری واضعان آن دانست. لکن با اندکی تدقیق در متون قوانین مربوط به حق دفاع و رویه عملی برخی مراجع بویژه هنگامی که وکیل دادگستری خود را در جایگاه مدافع و حامی حقوق موکل خویش پنداشته و می‌کوشد زمینه را برای انجام دفاعی مناسب و شایسته مهیا سازد، به ناگاه چالشی عظیم به نام «موانع در اعمال حق دفاع و تعارض دفاع با قضا» را ملاحظه می‌کند. طبیعتاً این امر ناشی از عوامل مختلفی از

جمله خلاء و ابهامات قانونی، وجود قوانین ضد دفاع، فقدان آموزش بسنده کادر قضایی و عدم تعامل قضا با دفاع و ناآشنایی وکیل با فلسفه و رسالت حرفه خود می‌باشد.

این چالش تا بدانجا اهمیت می‌یابد که وکیل مدافعی که برای دفاع از حقوق موکل خویش قدم به وادی دادرسی می‌گذارد، قبل از هر اقدامی ناگزیر باید در اثبات حقانیت اختیارات و تکالیف قانونی خود به دفاع بپردازد. این گونه است که مفهوم پدیده «دفاع از حق دفاع» شکل می‌گیرد و کماکان به عنوان یکی از موضوعات اساسی و بحث‌انگیز محافل حقوقی و قضایی کشورمان مطرح می‌باشد.

وجود چنین معضلاتی در امر وکالت، نگارنده را بر آن داشت تا به طرح موضوع پرداخته و ضمن ارایه شمه‌ای از مشخصات یک دادرسی منصفانه، به تشریح حق دفاع در مقررات داخلی بین‌المللی و در نهایت توصیف منابع قانونی حضور وکیل مدافع و مضافاً واقعیات و چالش‌های موجود در اجرای حق دفاع بپردازد.

دادرسی منصفانه

اصطلاح دادرسی منصفانه، مفهومی ذهنی است که با پیش‌بینی تضمینات و حقوق دفاعی مکفی برای متهمین جنبه عینی می‌یابد. مروری بر اسناد مختلف بین‌المللی، حقوق تطبیقی و مقررات داخلی بیانگر پاره‌ای از ضروریات و تضمینات دفاعی می‌باشد که انجام یک دادرسی عادلانه لزوم وجود آنها را ایجاب می‌کند. از مهمترین این تضمینات می‌توان به مواردی از جمله حق تفهیم اتهام، حق سکوت، منع شکنجه، منع بازداشت و... حق داشتن وکیل مدافع در این مقررات اشاره کرد.

در اسناد و مقررات متعدد بین‌المللی برحق استفاده متهم از معاضدت وکیل دادگستری در طول دادرسی تأکید و تصریح شده است. این حق تا آنجا اهمیت دارد که در اسناد معتبری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و... به دفعات پیش‌بینی کرده است.

در مواد مختلفی از اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله مواد ۵، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ به حقوق متهم در جریان یک دادرسی عادلانه اشاره شده است.

از دیدگاه حقوق تطبیقی نیز دخالت وکیل در مراحل مختلف دادرسی واجد اهمیت خاص می‌باشد. در بسیاری از کشورها مانند بلژیک، آلمان، فرانسه و حتی سوریه قاضی مکلف است که قبل از شروع تحقیقات، متهم را از داشتن حق وکیل مطلع سازد و مراتب را در صورتجلسه دادرسی درج کند و در صورت انصراف صریح متهم از استفاده از این حق، شروع به استنطاق نماید. طبق بند ۳ ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: «بازپرس باید متهم را از حق داشتن وکیلی از بین وکلای مجاز یا کارآموزان قضایی مطلع سازد.» در برخی قوانین مانند ماده ۱۳۶ ق.آ.د.ک فرانسه و ماده ۶۳ قانون دادرسی سوریه، حق سکوت برای متهم را تا انتخاب وکیل مجاز دانسته‌اند. این امر به حدی مهم است که در کشورهایی مانند فرانسه، تکلیف بازپرس به اعلام حق داشتن وکیل به متهم به هنگام اولین حضور در بازپرسی، جزء لاینفک حق دفاع محسوب و عدم رعایت آن از موجبات بطلان اساس تحقیقات انجام شده می‌باشد.

در حقوق داخلی نیز اصل ۳۵ قانون اساسی حق داشتن وکیل را در تمامی دادگاه‌ها لازم دانسته است. قانون ماده واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز متضمن حق تعیین وکیل و تکلیف مراجع برای پذیرش آن می‌باشد. در قانون آیین دادرسی کیفری نیز در مواد مختلفی بویژه مواد ۱۲۸، ۸۵ و ۱۸۶ به حق استفاده وکیل تصریح شده است و قانون حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۴ در مواد متعددی متضمن تکرار و تأکید این حق می‌باشد و در پاره‌ای موارد نیز استفاده از خدمات وکیل بویژه در امور مدنی، اجباری اعلام شده است. مع الوصف، نکته‌ای که در مباحث آتی بدان پرداخته خواهد شد و در شرایط فعلی از چالش‌های اصلی حق دفاع محسوب می‌گردد، عبارت از میزان اختیارات و کیفیت حضور و مداخله وکیل مدافع در فرآیند دادرسی کیفری است که حقیقتاً جای بحث و تأمل فراوان دارد و در این نوشتار سعی بر آن است که به برخی از آنها اشاره شود.

منافع حضور وکیل در دادرسی

بدون شک، نقش سازنده و مفید وکیل مدافع در مراحل مختلف دادرسی کیفری به منظور اعتلای شأن عدالت کیفری، بر هیچ کس پوشیده نیست. استفاده از معاضدت و

دانش حقوقی - فنی وکلای دعاوی در امور کیفری می‌تواند منافع و مزیت‌های فراوانی را هم در جهت دفاع از حقوق افراد بی‌گناه و هم توسعه علمی و عملی دادرسی قضایی به سمت کشف حقیقت به همراه داشته باشد. از مهمترین این امتیازات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

● جلوگیری از انحراف دادرسی

وکیل مدافع با نظارت مستمر، دقیق و هوشمندانه خود بر کیفیت دادرسی، نقش محافظتی امین و مجرب را ایفا می‌کند و با بهره‌گیری از استعداد، نبوغ و دانش حقوقی خویش از انحراف دعوی و جریان دادرسی جلوگیری بعمل می‌آورد. فرآیند دادرسی هدف مستقیمی را تعقیب می‌کند که عدالت نام دارد. هرگونه لغزش و خطایی در این روند، آن را از خط مستقیم و در نتیجه به همان اندازه از عدالت دور می‌کند. بی‌گمان در جریان یک دادرسی، احتمال لغزش و خطا، از طرف قضات، اصحاب دعوی و غیره وجود دارد. از اینرو حضور وکیل کاردان، متعهد و قانونمند در روند دادرسی می‌تواند تضمین مناسبی در جلوگیری از انحراف دادرسی تلقی گردد. قطعاً ثمره عملی و مستقیم چنین حضوری پیشگیری از تضييع حقوق اصحاب دعوی و انحراف قضایی می‌باشد. وکیل مدافع می‌تواند در کنار مقام قضا به مثابه ابزار کنترل و نظارت بر عملکرد دستگاه قضا عمل کند و بدون آنکه کمترین هزینه‌ای بر این دستگاه تحمیل کند، به پیشبرد اهداف آن و تحقق عدالت قضایی کمک کند. این رویکرد در اکثر کشورهای که بر مبنای دموکراسی حرکت می‌کنند، با پیش‌بینی ساز و کارهای متعددی به منظور نظارت بر اعمال قدرت قوای حکومت و انحراف از قانون کیفیت عملی یافته است، که در این میان نقش تعیین‌کننده‌ای برای جامعه حقوقدانان و وکلای دادگستری بویژه کانون‌های وکلا به عنوان نهاد جامعه مدنی در نظر گرفته شده است.

● هدایت علمی و عملی قاضی

فردی که به عنوان قاضی بر مسند قضاوت تکیه می‌زند، به عنوان یک انسان هر اندازه که دارای تجربه کاری و دانش حقوقی باشد، با عنایت به تغییر سریع ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی باز هم دانسته‌ها و معلومات او نیاز به ارتقا و تقویت دارد. در روند روزآمد کردن اطلاعات قضایی، وکلا در مقام دفاع یکی از محورهای تعیین‌کننده و مؤثر

تلقی می‌شوند.

وکیل در مقام دفاع از موکل و موضوع وکالت، با مطالعه همه جانبه قوانین و رویه‌ها سعی می‌کند از آخرین داده‌های قضایی استفاده کند و قاضی در مقام تقابل و تعامل به نوبه خود کوشش می‌کند تا با افزایش اطلاعات، توان استنتاج قضایی خود را ارتقا بخشد و لذا بی‌علت نیست که وکلا و قضات را دو بال فرشته عدالت نامیده‌اند. مسلم است که نمی‌توان ادعا کرد وکلا در اجرای وظایف خود عاری از هر عیب و نقص و عالم به تمام فنون وکالت و دانش حقوقی باشند. بر این اساس در بسیاری از موارد ضرورت ایجاد می‌کند که وکیل مدافع در تعاملی مستقیم با قاضی، متفقاً به هدایت علمی و عملی یکدیگر پرداخته و دانسته‌های خود را عنداللزوم در اختیار همدیگر قرار دهند.

● جلوگیری از اطاله دادرسی

اطاله دادرسی یکی از معضلات و چالش‌های بزرگی است که گریبان‌گیر دستگاه قضایی ما می‌باشد.

وجود ضعف در سیستم اداری، ضعف در قانونگزاری و مهمتر از همه عدم آگاهی و وقوف اصحاب دعوی به حقوق و امتیازات خود، عاملی مهم در جهت اطاله فرآیند دادرسی می‌باشد. وکیل دادگستری با آگاهی به قوانین موجود از یکطرف و شناخت کافی نسبت به نقاط ضعف، نقایص، کمبودها، ابهامات و اشکالاتی که در سیستم اداری - قضایی وجود دارد، تلاش خود را به سمت هدایت صحیح جریان دادرسی، آگاه کردن قاضی و موکل از مقررات مربوطه، طرح دعوی و اعتراض در مهلت‌های مقرر قانونی و... معطوف می‌دارد. این امر به نوبه خود ضمن جلوگیری از اطاله بیش از حد جریان دادرسی از تحمیل هزینه‌های مالی و انسانی فراوان بر دستگاه قضا و سرگردانی و بلا تکلیفی موکلین ممانعت می‌کند.

● مساعدت در اجرای قانون و عدالت

وکیل مدافع با آگاهی و اشرافی که نسبت به قوانین موضوعه دارد و با سعی و افری که در پیشبرد اهداف قانونگذار و اجرای بهینه عدالت می‌کند، مساعدت شایان توجهی را به سیستم قضایی عرضه می‌دارد. وی با جستجوی مقررات قانونی و انطباق صحیح آنها با موضوعات مختلف فیه ضمن کمک به اجرای قانون، زمینه اجرای عدالت را نیز به مفهوم

واقعی آن فراهم می‌سازد. اشراف کامل بر قوانین موجود و استناد صحیح به آنها از طرفی باعث تبرئه افراد بی‌گناه می‌گردد و از طرف دیگر موجب شناخته شدن افراد گناهکار و بزهکاران واقعی می‌شود. نتیجه محتوم هر دو فرآیند، مساعدت در اجرای قانون و عدالت می‌باشد.

علاوه بر این حضور وکیل در تمام مراحل بازجویی و دادرسی موجب می‌شود که بعداً بحث و طرح اعمال شکنجه و تحمل فشار و زور به متهم در طول تحقیقات و بازجویی قابل توجیه نباشد.

● دفاع از حقوق بی‌گناه

از دیگر نتایج مثبت حضور وکیل در مراحل تعقیب، تحقیق و تحکیم، حمایت از مظنون و متهمی است که ممکن است به علل مختلف بی‌جهت مورد تعقیب قرار گرفته باشد. در چنین شرایطی متهم باید از مساعدت و تعاون کسی استفاده کند که توان مقابله با فشارهای ناشی از اقتدار مقام تعقیب و تحقیق را تحمل و در برابر هجمه قضایی و یا روانی و اجتماعی، بی‌گناهی وی را اثبات کند. وکیل تنها ملجأ و پناهگاه متهم می‌تواند باشد، هرچند مقامات قضایی نیز رأساً مکلف به اثبات بی‌گناهی متهم می‌باشند.

یکی از ویژگی‌ها و محاسن منحصر به فرد وکیل مدافع، دفاع از حقوق متهمی است که در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته است. وکیل مدافع با شناختی که نسبت به قوانین موضوعه دارد، از تمامی دانش و استعداد خود جهت اثبات حقیقت و بی‌گناهی موکل مدد می‌جوید. مضافاً اینکه حضور وکیل مدافع موجب رعایت تساوی بین اصحاب دعوی که باید از سلاح‌های برابر بهره‌مند باشند، می‌گردد. بعلاوه، حضور وکیل مدافع در تمام مراحل بازجویی و دادرسی موجب می‌شود که بعداً بحث و طرح اعمال شکنجه و تحمل فشار و زور به متهم در طول تحقیقات و بازجویی قابل توجیه نباشد.

البته دادستان به مثابه نماینده جامعه صرفاً وظیفه تعقیب و جمع‌آوری دلایل علیه متهم را به عهده ندارد، بلکه یکی از محوری‌ترین تکالیف این مقام دفاع از بی‌گناهی متهم و حمایت قانونی از اوست. به دیگر سخن دادستان در طریق اجرای عدالت بر چگونگی روند یک دادرسی عادلانه نظارت داشته و اولین مدافع بی‌گناهی متهم تلقی می‌گردد.

چالش‌های دفاع در واقعیت

ارایه خدمات وکالتی در عمل، با چالش‌ها و معضلات پیچیده ممکن است مواجه شود که عدم توجه به آنها، اثرات سوء و زیانباری را بر پیکره عدالت و دستگاه قضا و طبعاً امنیت اجتماعی و عدالت قضایی برجای خواهد گذاشت. با این وصف، برخلاف صراحت اسناد معتبر بین‌المللی، بسیاری از کشورها، آشکارا یا پنهان، حقوق دفاعی متهم را به اشکال مختلف نقض و او را از حداقل تضمینات یک دادرسی عادلانه محروم می‌کنند. در این مورد می‌توان به اقدام کشور آمریکا در محروم کردن زندانیان گوانتانامو از برخورداری از خدمات وکالتی اشاره کرد.

متأسفانه بازداشت‌های غیرمعین طولانی مدت و یا وجود زندان‌های مخفی آن کشور در اروپا، که فاقد حداقل تضمینات دادرسی منصفانه بویژه استفاده از حق دفاع می‌باشد، از دیگر موارد نقض اصول حقوق بشر تلقی می‌گردد. جالب آنکه براساس قوانین و مقررات دادرسی در انگلستان که اخیراً به تصویب رسیده است، متهم را می‌توان به بهانه ارتکاب برخی جرایم به مدت ۲۸ روز با کمترین امکانات دفاعی و بدون استفاده از تضمینات حقوق بشری در بازداشت نگاه داشت، در ادامه به برخی از مشکلات و چالش‌های دفاع در دادرسی اشاره می‌شود:

● خلاهای قانونی

واقعیت دفاع، حکایت از وجود خلاءهای قانونی در زمینه حضور وکیل مدافع در فرآیند دادرسی دارد. اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریحاً مقرر می‌دارد که در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای همه آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران آمده است که: «متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق، پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بدانند به قاضی اعلام کند.»

نتیجه منطقی از تفسیر این ماده آن است که مقنن حق بهر مندی از معاضدت یک نفر وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را، برای متهم اساساً پذیرفته است. با بررسی سایر

مقررات مربوط به تحقیقات مقدماتی، روشن می‌شود که قانونگذار اشاره دیگری به جزییات حق بهرمندی از معاضدت وکیل در این مرحله نکرده است.

از جمله این موارد که به سکوت برگزار شده است، می‌توان به مواردی از قبیل تکلیف ضابطان و مقامات قضایی به آگاه کردن متهم از حق مزبور، امکان برقراری ارتباط و گفتگوی حضوری با وکیل قبل از شروع جلسه بازپرسی و عنداللزوم پس از آن، چگونگی دسترسی وکیل به پرونده و اسناد و مدارک آن در مرحله تحقیقات مقدماتی و حق برخورداری از مساعدت وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی و... اشاره کرد. طبعاً ساده‌انگاری و به سکوت برگزار کردن چنین اصول و حقوق مهم دفاعی، گامی مهم در جهت پس‌رفت عدالت قضایی خواهد بود.

● ابهامات قانونی

معضل دیگری که در روند دفاع از حقوق متهم در خلال دادرسی به چشم می‌خورد، وجود ابهامات قانونی است. این امر موجب می‌شود که تفاسیر و برداشت‌های معارض و متناقضی از قوانین به عمل آید که نتیجه مستقیم آن تضییع حقوق متهم در بهرمندی از خدمات و معاضدت حقوقی وکیل مدافع است. از جمله مواد قانونی ابهام‌انگیز می‌توان به مواد ۱۲۸ و ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن اشاره داشت. هرچند بر استفاده از وکیل در این مواد تأکید شده است ولی موضوع تعداد وکیل، چگونگی مداخله در امر تحقیقات و موارد ممنوعه که وکیل ممکن است از حضور در محکمه منع شود، ابهام فراوان در نزد حقوقدانان را باعث شده است. از مهمترین این ابهامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تعداد وکیل: در صدر ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک به متهم اجازه داده شده در جریان تحقیقات مقدماتی، از حضور و معاضدت وکیل مدافع بهرمند گردد، لکن معلوم نیست قانونگذار در مقام بیان حق همراهی متهم توسط وکیل، به چند نفر وکیل نظر دارد و یا اینکه لزوماً به عدد «یک» توجه داشته است. چنانچه قانونگذار در مقام بیان حق متهم مبنی بر داشتن وکیل یا وکلا باشد، با ظاهر ماده در تعارض است زیرا در این ماده به عدد «یک» اشاره شده است و این حق محدود به داشتن یک وکیل است و چنانچه منظور قانونگذار این بوده که متهم فقط یک وکیل انتخاب کند، در آن صورت، این ماده با ماده ۱۸۵ همین

قانون در تعارض است زیرا ماده ۱۸۵ اعلام داشته متهم می تواند به تعداد مورد لزوم وکیل داشته باشد. با جمع این دو ماده به نظر می رسد متهم حق انتخاب بیش از یک وکیل را نیز دارد، اما علی الظاهر در مرحله تحقیقات مقدماتی تنها یک نفر از وکلای او حق همراهی و حضور دارند که البته این امر نیز با روح قانونگزاری و موازین حقوقی تناسب و سازگاری چندانی ندارد.

حق سکوت: از دیگر ابهامات قانونی، موضوع حق سکوت متهم تا زمان حضور وکیل تعیینی و یا تسخیری وی می باشد. البته ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری در این رابطه تنها اشاره دارد که اگر متهم از دادن پاسخ امتناع کرد (به هر دلیلی) امتناع او، در صورت جلسه قید می شود و مجبور به پاسخ دادن نمی شود. شاید بتوان گفت پیش بینی چنین محدودیتی در خصوص حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، بیش از هر چیز دلالت بر تبعیت و تأثیرپذیری نظام دادرسی ایران از سیستم تفتیشی که ناظر بر مکتوم ماندن و محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی است، دارد. ولی این امر نیز تا حد زیادی با حقوق و آزادی های فردی و تضمینات دفاعی متهم در تعارض می باشد و اصولاً گمان نمی رود پیش بینی چنین مقرراتی منافات با بعد تفتیشی تحقیقات داشته باشد.

مداخله وکیل: نکته دیگری که در خصوص ماده ۱۲۸ آ.د.ک قابل اشعار است آنکه، در قسمت دوم ماده مرقوم آمده است که: «وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را برای کشف حقیقت و دفاع از متهم و اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام کند، اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می شود.»

در این مورد چند نکته قابل تأمل است:

اولاً: به نظر می رسد قسمت دوم ماده ۱۲۸ آ.د.ک با صدر ماده مزبور در تعارض است زیرا از طرفی مطابق صدر ماده به متهم حق استفاده از خدمات وکیل مدافع صراحتاً واگذار شده است اما چگونه می توان از وکیل استفاده کرد، در حالی که به او حق مداخله داده نشود؟ پس فلسفه حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی چیست؟ آیا پیش بینی چنین محدودیتی نوعی نقض غرض محسوب نمی گردد؟

ثانیاً: به یک تفسیر، به نظر می رسد وکیل متهم در حدود مذکور در این ماده، حق مداخله دارد، بنابراین از انجام کارهایی همچون اظهار نظر به جای متهم، راهنمایی متهم،

پیگیری پرونده و روند تحقیقات و تکمیل آن و اصولاً انجام هر کاری که روند صحیح تحقیقات را دچار مشکل سازد و کشف حقیقت را با مشکل مواجه کند و نوعی مداخله در امر تحقیق به حساب آید، ممنوع می‌باشد.

ثالثاً یکی از منافع حضور وکیل مدافع در فرآیند دادرسی، هدایت علمی و عملی قاضی و جریان دادرسی به سمت کشف حقیقت است. سؤال این است: اگر در جریان تحقیقات موضوعی حادث گردد که از دید قاضی تحقیق پنهان مانده باشد، یا قاضی تحقیق قادر به کشف یا شناخت آن نباشد، آیا استمداد از دانش و نبوغ فنی و حقوقی وکیل مدافع با اصل تحقیقات در تناقض است؟ آیا اظهار نظر مشارالیه در چنین مواردی، مداخله به حساب نمی‌آید؟ اصولاً چه برداشتی از مفهوم «مداخله» می‌توانیم داشته باشیم؟ آیا مداخله قانون‌مند یا غیرقانونی، مداخله بیجا یا بجا، مداخله مغرضانه یا غیرمغرضانه،... منظور است؟

رابعاً خاتمه تحقیقات چه زمانی است؟ آیا بیم آن نمی‌رود که قاضی دادگاه با تفسیر موسع این ماده و این توجیه که از بدو شروع فرآیند دادرسی تا صدور حکم و مختومه شدن پرونده در محدوده تحقیقات مقدماتی قرار دارد، از حضور وکیل مدافع در فرآیند دادرسی ممانعت کرده و به طور خلاصه، موجبات تضییع و نقض حقوق دفاعی متهم را عیناً فراهم آورد؟ از واضعان چنین مصوبه‌ای باید صراحتاً پرسید که ایشان کدامین منطق حقوقی و استدلال علمی را در وضع چنین ماده‌ای دنبال می‌کرده‌اند؟ آیا نوع نگرش و تلقی حاکم بر مقنن کیفری، آن بوده است که حضور وکیل مدافع در امر تحقیقات، موجب اخلال و بی‌نظمی در تحقیقات خواهد شد؟ به نظر می‌رسد این ماده قانونی با اصول و موازین حقوق بشری و حقوقی، سازگاری چندانی نداشته باشد.

می‌توان گفت با توجه به روش عملی در مورد قانون سابق و همچنین مقررات خارجی مغذی این ضوابط، منظور از عدم مداخله وکیل در امر دادرسی، مربوط به دخالت در امر تحقیقات، قطع سؤالات قاضی تحقیق، جلوگیری از پاسخ متهم به سؤالات مطروحه و پاسخگویی وکیل به جای موکل باشد. والا با عنایت به صدر ماده ۱۲۸ آ.د.ک و اساس و فلسفه حضور وکیل در مرحله تحقیقات، در صورتی که حقوق متهم در طول تحقیقات رعایت نشود، وکیل حق دخالت، ایراد و اعتراض را دارد. مثلاً،

اگر مستنطق سؤالات القای مطرح کند یا با تهدید و تطمیع، بازجویی کند، وکیل می‌تواند مستند به قانون، مراتب ایراد و اعتراض خود را اعلام کند و این امر، مداخله در امر تحقیقات نخواهد بود. در غیر این صورت، حضور وکیل در طول تحقیقات، اگر برای تضمین حقوق متهم نباشد، چه ثمر و فایده‌ای خواهد داشت؟

موانع حضور وکیل مدافع: صرف‌نظر از بحث مداخله وکیل در امر تحقیقات، به حکایت صریح مواد ۱۲۸ و ۱۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، اصولاً حضور وکیل مدافع در فرآیند دادرسی نباید با مانع خاصی همراه باشد. در صدر ماده ۱۲۸ آ.د.ک آمده است: «متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد». ماده ۱۸۶ آ.د.ک نیز مقرر می‌دارد: «در کلیه امور جزایی، طرفین دعوی می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی کنند...». مع‌الوصف، در تبصره ماده ۱۲۸ آ.د.ک، قانونگذار در تعارض با صدر این ماده، در برخی موارد، حضور وکیل مدافع را در مرحله تحقیقات منوط به تجویز دادگاه دانسته است. مطابق این تبصره: «در مواردی که موضوع جنبة محرمانه دارد یا حضور متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود».

ملاحظه می‌شود که قاضی تحقیق در سه مورد:

۱. محرمانه بودن موضوع،

۲. حضور متهم موجب فساد گردد،

۳. جرایم علیه امنیت کشور.

می‌تواند حضور وکیل مدافع را در جریان تحقیقات اجازه ندهد و تحقیق از متهم بدون استفاده از خدمات دفاعی انجام شود.

این روش قانونگزاری نه تنها مغایر با حقوق بشر و مفاد اصل ۳۵ قانون اساسی و صدر ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد، بلکه عملاً نیز اشکال برانگیز است.

از اشکالات عمده آن است که قانونگذار در تبصره ماده فوق‌الذکر، در مورد جرایمی که جنبة محرمانه دارد یا حضور غیروکیل مورد فساد است، به صورت مبهم و نارسا، موجباتی را پیش‌بینی کرده است که هر لحظه می‌توان با تمسک به آن، متهم را از خدمات

دفاع محروم کرد.

از لحاظ تقنینی، قانونگذار امری را که جنبه حکمی دارد، به قاضی سپرده است و چون معیار مشخصی برای تمیز و تعیین مواردی که جنبه محرمانه دارد یا موجب فساد است، به صورت احصایی و نه به صورت تمثیلی ارایه نکرده است، بنابراین، قطعاً قاضی تحقیق باید براساس پندار شخصی، سن، فرهنگ، آموزه‌های حقوقی، میزان تجارب قضایی و برداشت‌های اخلاقی و دینی و در حقیقت بر مبنای قرائت و تفسیر شخصی، نسبت به تعیین موارد اقدام کند و قدر مسلم، از آنجا که چنین تصمیم قابل اعتراض و تجدیدنظرخواهی نمی‌باشد، چه بسا که اعمال سلايق موجب تضییع حقوق دفاعی متهم گردد.

در پاره‌ای از جرایم، بویژه «جرایم علیه امنیت» حضور وکیل موکول به اجازه دادگاه دانسته شده و این در حالی است که بسیاری از مصادیق مجرمانه علیه امنیت، مستوجب مجازات اعدام و در حکم محاربه تلقی می‌گردد که حسب نص صریح تبصره ماده ۱۸۶ قانون مزبور، متضمن حضور الزامی وکیل در جریان محاکمه است. به عنوان مثال، جرایم مصرحه در مواد ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۴۹۸، ۵۰۴، ۵۲۶، ۶۱۰، ۶۷۵، ۶۸۳ و ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی، از زمره جرایم علیه امنیت می‌باشند که مجازات محارب (که می‌تواند به اختیار قاضی اعدام نیز باشد) برای آنها در نظر گرفته شده است.

سؤال این است که این تعارض چگونه قابل جمع است؟ کدام مصلحت اقتضا می‌کند که متهم از داشتن حداقل حقوق دفاعی آن هم در جرمی که مجازات آن اعدام بوده و حضور وکیل در دادگاه قانوناً الزامی است، محروم بماند؟

ممکن است گفته شود که چون متهم براساس ماده ۱۸۶ آ.د.ک در جرایمی که مستوجب مجازات مهم باشد می‌تواند از وکیل تعیینی یا تسخیری استفاده کند، لذا این ایراد را منتفی بدانند اما به نظر می‌رسد که چنین استدلالی قابل دفاع نباشد زیرا نباید فراموش کرد که سرنوشت پرونده و شالوده و اساس دعوی و دلایل در مرحله اتمام تحقیقات رقم می‌خورد و لذا با توجه به اهمیت جرایم مزبور و مجازات‌های مقرر، اصلح این است که با اصلاح قانون، بستر مناسبی به منظور استفاده از خدمات دفاعی برای متهمی که قطعاً به آن احتیاج دارد فراهم آوریم.

گذشته از اینها، قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۱۸۶ آ.د.ک و در جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام، قصاص نفس، رجم و حبس ابد می باشد، از طرفی تعیین وکیل تسخیری را برای متهم الزامی می داند و از طرف دیگر، در اقدامی عجیب، امتناع متهم در خصوص جرایم منافی عفت از حضور یا معرفی وکیل را، به راحتی پذیرفته و حضور وکیل را لازم نمی داند. قسمت اخیر تبصره مزبور نه تنها معارض با صدر ماده ۱۸۶ آ.د.ک و حتی این تبصره می باشد، بلکه اصولاً متهم ممکن است به دلایلی مانند احساس خجالت از انتشار اتهام، نرم خوئی، احساس بی گناهی و... مبادرت به این کار کند و بعداً نیز به نادرستی محکوم شود. مثلاً در مورد شرب خمر در مرتبه چهارم، زنای با محارم، زنای به عفت، لواط و... که مجازات آنها اعدام است، با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۶۳/۶/۲۸* و تبصره یک ماده ۱۸۶ آ.د.ک این تدابیر قطعاً مغایر با حق دفاع و موجب به هم خوردن تناسب و تعادل و تساوی در سلاح دفاع در مقابل قضا خواهد بود.

● فقدان فرهنگ استفاده از وکیل

اصولاً در کشور ما، فرهنگ استفاده و بهره گیری از خدمات وکیل مدافع، آن گونه که باید هنوز نهادینه نشده است.

افراد عمدتاً یا به وکیل مراجعه نمی کنند یا هنگامی مراجعه می کنند که دیگر جایی برای دفاع باقی نمانده است. دلیل این امر را باید در عوامل مختلفی جستجو کرد. عواملی از قبیل وجود تبلیغات منفی در مورد وکلا، عدم آگاهی یا ناآشنایی مردم به حقوق خود، رواج پدیده میانجیگری یا کدخدامنشی - که البته در نوع خود مطلوب است - بالا بودن نرخ حق الوکاله و... وجود آداب و رسوم و باورهای خاص در زمره مؤلفه های مؤثری هستند که باعث می شود مردم به ندرت برای حل مشکلات حقوقی خود به سراغ وکیل بروند. بر این اساس، ترویج فرهنگ استفاده از وکیل و تبیین محاسن

* - «نظر به اینکه در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای حق استفاده از وکیل اهمیت خاصی منظور گردیده و از طرفی با توجه به ماده ۹ قانون تشکیل محاکم جنایی و مستنبط از مقررات تبصره ۲ ماده ۷ و ماده ۱۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی مصوب ۲۰ شهریور ۱۳۵۸ و اصلاحیه های بعدی آن با لحاظ بخشنامه مورخ ۶۱/۷/۱۷ شورای نگهبان دارای اعتبار قانونی است مداخله وکیل تسخیری «در صورتی که متهم شخصاً وکیل تضمینی نکرده باشد» در محاکم کیفری و در موردی که مجازات اصلی آن جرم اعدام یا حبس دائم باشد ضروری است، بنابراین رأی شماره ۱۶ دیوانعالی کشور... موجه تشخیص می گردد...»

و مزایای بهر مندی از آن، می‌تواند گامی مهم در جهت مرتفع ساختن چالش موجود تلقی گردد.

● تخصصی نبودن حرفه وکالت

غیرتخصصی بودن حرفه وکالت در ایران، یکی از مشکلات دیگری است که آثار منفی آن هم بر دستگاه قضا و هم بر اصحاب دعوی کاملاً مشهود است. دانش حقوق، دانشی بسیار گسترده و پیچیده می‌باشد. این پیچیدگی تا بدان حد است که یک فرد، هر چقدر هم ممارست و جدیت به خرج دهد شاید تا پایان عمر نتواند در همه شاخه‌های آن صاحب تبحر و تخصص گردد. متأسفانه عوامل متعددی از جمله کم‌رونقی بازار کار، رقابت‌های شغلی، ابا داشتن از عدم قبول امور غیرتخصصی و میل به تنوع‌طلبی و زیاده‌خواهی، باعث می‌گردد که وکلای دادگستری از پذیرش هیچ کاری امتناع نورزند. این گونه می‌شود که فرضاً وکیل متخصص در رشته حقوق تجارت، ناگهان وارد یک پرونده کیفری می‌گردد و در عمده موارد پیگیری چنین دعوایی محکوم به شکست می‌باشد. بنابراین برای جلوگیری از حقوق مستهین از یک طرف و سلامت جریان دادرسی از طرف دیگر، بهتر آن است که خدمات وکالتی به سمت تخصصی شدن و تفکیک وظایف براساس میزان کارآیی، مهارت و تجربیات حرفه‌ای و تخصص آکادمیک سوق داده شود.

● فقدان تعامل قضا با دفاع

بی‌گمان از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین چالش‌های نظام قضایی فعلی، فقدان تعامل دستگاه قضا با متصدیان دفاع می‌باشد. متأسفانه ذهنیت دستگاه قضا نسبت به امر دفاع، تا به حدی منفی است که گاهی اوقات، قضات مراجع قضایی از حضور عادی وکلای مدافع به شدت جلوگیری بعمل می‌آورند. شاید احساس تقابلی که در جریان مبارزه شاکلی و متهم و تلاش وکیل مدافع طرفین برای اثبات گفته‌های خود به قاضی رسیدگی کننده دست می‌دهد، او را بر آن دارد که با اتخاذ موضعی کاملاً خصمانه و غیرمنطقی و با این تصور که وکیل متهم درصدد وارونه جلوه دادن حقیقت، اطاله دادرسی یا انحراف آن از جریان طبیعی می‌باشد، متهم را از داشتن حداقل تضمینات دفاعی محروم سازد. این طرز تفکر و نگرش منفی، در عمل آثار زیانباری را هم بر دستگاه قضا و هم کانون دفاع

وارد ساخته است.

● قوانین ضد دفاع

مروری بر قوانین و مصوبات فعلی حاکی از آن است که برخی از مقررات نه تنها کمکی به متهم جهت فراهم شدن زمینه دفاعی مناسب نمی‌کند، بلکه عملاً درخلاف آن و موجب تضییع حقوق وی می‌باشند.

استقلال وکیل مدافع تضمینی مهم برای دفاع از حقوق متهم بشمار می‌آید. اگر مقدرات وکیل مدافع در دست مرجع قضایی یا مدعی العموم باشد به نحوی که دستگاه قضایی بتواند وی را به راحتی تحت فشار قرار داده یا کنترل کند و سرنوشت پرونده را به نحو مطلوب خود رقم بزند، قربانی اصلی این فرآیند، متهم خواهد بود.

متأسفانه دارندگان پروانه مشاوره حقوقی و وکالت قوه قضاییه (مشمولین ماده ۱۸۷) با این مشکل جدی روبرو هستند زیرا مقام مجوز دهنده وکالت به ایشان، قوه قضاییه است یعنی نهادی که ضامن تعقیب و مجازات مرتکبین جرایم در جامعه می‌باشد و خود این نهاد افرادی را تعیین می‌کند که به دفاع از این متهمین بپردازند.

حتی اگر فرض را بر صحت و سلامت امور و میرا بودن مبادی ذریبط از انحرافات همچون اعمال فشار، تهدید، تطمیع و... بگذاریم باز این عده از مشاوران حقوقی همواره در مظان این اتهام هستند که در نحوه دفاع از موکل خود آزاد نبوده و موظفند طبق سلیقه مقام صادرکننده مجوز مشاوره که همان مقام مختار به ابطال آن است، عمل کنند که این خود دلیلی بر عدم بی طرفی وکیل و نقض غرضی از معاضدت قضایی وی در دعاوی است.

با این توضیح، ماده ۱۸۷ مربوط به موضوع مشاوران قضایی را، باید از قوانین صریح ضد دفاعی نامید.

از دیگر قوانین ضد دفاع، می‌توان به موادی از قانون آیین دادرسی کیفری اشاره کرد. در همین جهت ماده ۱۲۸ قانون مزبور، عیناً در زمره قوانین ضد دفاع محسوب می‌گردد. مواردی از قبیل عدم امکان مداخله وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی، ممنوعیت حضور وکیل در برخی از جرایم بویژه جرایم امنیتی یا مفسده‌انگیز و... فاقد توجیه مناسب می‌باشد.

ضرورت تأمین امنیت شغلی و حرفه‌ای

معضل دیگری که می‌تواند گریبان‌گیر جامعه وکلا و حتی قضات دادگستری باشد، بحث تأمین امنیت شغلی است. البته رویکرد ما در این خصوص، بیشتر جنبه دفاعی قضیه را دربرمی‌گیرد و آن مربوط به زمانی است که وکیل دعاوی در جلسه دادرسی حضور بهم رسانیده و درصدد دفاع از حقوق موکل خود برمی‌آید. در چنین وضعیتی وکیل نباید دچار نوعی احساس نگرانی و اضطراب در مورد موقعیت شغلی و حرفه‌ای خود باشد و آن را در معرض تهدید و مخاطره ببیند.

تصور اینکه مقام قضا ممکن است هر لحظه فرصت و مجال دفاع مناسب را از وکیل بگیرد، وی را در چنان وضعیت متزلزلی قرار می‌دهد که امکان دفاع عادی و توأم با آرامش، بشدت از او سلب می‌شود.

وکیل باید قطع نظر از نحوه دفاع، نوع دعوی، هویت و شخصیت اصحاب دعوی و نوع اتهامات، احساس امنیت کرده و نگران اعتراض و تعقیب و مجازات بعدی چنین اقداماتی نباشد. طبیعتاً با توجه به تساوی شأن و موقعیت دفاع در کنار قضا، تضمین امنیت دفاع ضروری خواهد بود.

فراغوش نکنیم تضمین امنیت حق دفاع یکی از ساز و کارهای تحقق عدالت کیفری است و چنین تضمینی ایجاب می‌کند که قانون موجب بی‌مهری، تبعیض و یا نقض و اعمال غرض قرار نگیرد، در غیر این صورت ممکن است هیچ‌کسی در امان نباشد. عدالت‌پروری و قانونگرایی شاید امری هزینه‌بر باشد، ولی قطعاً از ورود خسارات بیشتر جلوگیری خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت، نتیجه می‌گیریم که دادرسی منصفانه و تحقق عدالت کیفری، جز با حضور فعال و قانونمند وکیل عدلیه ممکن نخواهد بود.

بی‌دلیل نیست که بیش از ده‌ها سند بین‌المللی - که کشور ما نیز با تصویب مجلس شورای اسلامی و یا ملی سابق به آنها ملحق گردیده است - و همچنین قانون اساسی و مقررات عادی، بر حضور وکیل مدافع به عنوان یکی از ارکان اصلی دادرسی عادلانه نه

تنها تأکید، بلکه حکم کرده است.

قضات توانمند و فرهیخته نه تنها از حضور فعال وکیل در مراحل دادرسی نگران نیستند، بلکه از این امر استقبال می‌کنند.

همگان توجه داریم که متهم، بویژه در مرحله تحقیقات، «تنه» در مقابل جامعه و نماینده وی قرار دارد و اگر از حمایت یک دفاع قوی برخوردار نباشد، قطعاً قادر به دفاع از حقوق خود نخواهد بود.

حضور وکیل صرفاً منجر به تأمین حقوق موکل خود نخواهد بود، چراکه ممکن است با حضور و رایه دلیل و استدلال، قاضی تحقیق با دلایل متقن، ضمن رد دفاعیات وکیل متهم و یا شاکه، حکم و تصمیم قضایی مخالفی را ابراز کند که به عدالت و انصاف نزدیک‌تر باشد.

اصولاً وکیل را نباید رقیب قاضی دانست، بلکه باید او را رفیق و همراه برای وصول به عدالت تلقی کرد. بنابراین، اصلح این است که دفاع و قضا ضمن حفظ استقلال و پابندی به اصول و وجدان حرفه‌ای و سوگندی که خورده‌اند و سازش‌ناپذیری در مورد حقوق مردم و اصول مسلم دادرسی عادلانه، دست در دست هم در کنار یکدیگر، سرشار از احساس وظیفه به قانون احترام گذاشته زمینه یک دادرسی عادلانه را مهیا سازند.